احکام و تعالیم فردی - خطا پوشی و ستاریّت

حضرت بهاءالله

خطا پوشی و ستاریّت

حضرت بهاءالله:

1 - " یا حبّذا لمحسن لن یستهزء بمن عصی ویستر ما شهد منه لیستر الله علیه جریراته وإنّه هو خیر السّاترین . کونوا یا قوم ستّارا في الأرض وغفّارا في البلاد لیغفر کم الله بفضله ثمّ اصفحوا لیصفح الله عنکم ویلبسکم برد الجمیل "

(ص ۱۱۵ج ٤ آثار قلم اعلی)

2 - " إن اطّلعتم علی خطیئة أن استروها لیستر الله عنکم إنّه لهو السّتّار ذو الفضل العظیم "

(لوح ناپلئون سوم - ص ۱۱۲الواح نازله خطاب بملوک)

3 - " ستّاریّت حقّ بشأنی غلبه نموده که اگر صد هزار بار از نفسی خطا مشاهده شود ابدا ذکرش از قلم امر جاری نه بلکه عفو فرموده مگر نفوسی که اعراض از حقّ نموده اند " (ص ۱۸۰ ج ۳ امر و خلق)

4 - " بسا از نفوس که ارتکاب نمودند آنچه را که منهيّ بوده و مع علم به آن از حقّ جلّ فضله اظهار عنایت و مکرمت بر حسب ظاهر مشاهده نموده اند این فقره را حمل بر عدم احاطه علمیّه کرده اند غافل از آنکه اسم ستّارم هتک استار را دوست نداشته و رحمت سابقه حجبات خلق را ندیده . ای علی اسم غفارم سبب تعویق عقاب بوده و اسم وهّابم علّت تأخیر عذاب " (ص ۱ - ۱۸۰ ج ۳ امر و خلق)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " نظر بقصور در حقّ یکدیگر ننمائید . اگر نفسی تقصیری نسبت بدیگری نماید دیده ، خطاپوش باشد و قصور مقصّر را در حقّ خویش بدامن عفو ستر نماید و در مقابل آن قصور نهایت محبّت و مهربانی مجری دارد تا مقصّر خجل و شرمسار نشود " (ص ۹۸ ج ۲ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

2 - " اگر چنانچه از بعضی دوستان قصوری صادر گردد دیگران باید بذیل ستر بپوشند و در اکمال نواقص او بکوشند نه اینکه از او عیبجوئی نمایند و در حقّ او ذلّت و خواری پسندند نظر خطا پوش سبب بصیرت است و انسان پر هوش ستّار () هر بنده پر معصیت . پرده دری شأن وحوش است نه انسان پر دانش و هوش "

(ص ۱۳۸ ج ۹ مائده آسمانی ط اوّل و با چند تفاوت از جمله ()" ستّار عیوب " در ص ۱۸٤ ج ۳ امر و خلق)

3 - " سؤال فرموده بودید که اگر قصوری سرّی از نفسی صادر و شخصی دیگر تشهیر دهد چگونه است . البتّه بقدر امکان باید ستر نماید و بچشم خطا پوش بپوشد و نصیحت نماید انّ الله ستّار لعیوب عباده " (ص ۱۸۵ ج ۳ امر و خلق)

4 - " بقصور کس نظر ننمائید جمیع را بنظر عفو ببینید زیرا چشم خطا بین نظر بخطا کند امّا نظر خطا پوش بخالق نفوس بنگرد" (ص ۷۲ ج ۱ بدئع الآثار)

5 - " ستّاری در اموریست که ضرّش بنفس فاعل عائد نه بدولت و ملّت و جمعیّت بشریّه و نوع انسانی راجع مثلا اگر شخصی ارتکاب فسقی نماید یا آنکه عمل قبیحی از او صادر شود که ضرر راجع به نفس آن شخص است مثل آنکه تعاطی شرب کند یا مرتکب فحشاء گردد در این مقام ستّاری مقبول و خطا پوشی محمود . امّا اگر نفسی دزدی نماید ، مال دیگری برباید در این مقام ستر ، ظلم بر صاحب مال است . هر چند در حقّ سارق ستّاری عنایت است ولی در حقّ آن بیچاره مظلوم که اموالش منهوب گردیده عین تعدّی و ظلم است . این میزان است که بیان شد و باوجود این نباید پاپی ظهور نقائص ناس شد . تحرّی لازم امّا باندازه نه اینکه نفسی شغل و عمل خویش را این قرار بدهد که فلان شخص ظلمی نمود و فلان کس تعدّی کرد و از مأمورین چه خیانتی ظاهر شده ، اوقات خویش را حصر در این نماید . این نیز غیر مقبول " (ص ۷ - ۱۸٦ ج ۳ امر و خلق)

حضرت ولی امر الله:

1 - " هر چه صبر و شکیبائی و تفاهم محبّت آمیز یاران نسبت بیکدیگر و اغماض نواقص بیشتر باشد ترقّی جامعه بهائی بطور کلّی افزون تر خواهد گشت " (ص ۲۱ نمونه حیات بهائی - ترجمه مصوّب)